

نقش حجاب و عفاف در عظمت زن



طیبه قدس

رئیس اداره فرهنگی و تربیتی اداره کل زندانهای استان سمنان

چکیده:

"حجاب و عفاف" در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض فرهنگی و فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا کنند اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خود را، در میان معنویت، هویت خویش را در "عفاف و حجاب" جستجو کردند. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد. از این روی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای است که به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

کلید واژه:

حجاب و عفاف، فلسفه حجاب، حق‌الله، احترام و حرمت

فلسفه حجاب

یکی از نکات اساسی که زمینه‌ای برای عمل به احکام است شناخت جایگاه هر چیز در نظام هستی است. البته در نظامی که خداوند متعال در جای جای آن دیده می‌شود و ارتباط اشیا و اعمال با خداوند بسیار مشهود است و با درک این ارتباط و حضور، بسیاری از مشکلات زندگی بشر حل می‌شود. «حق» به عنوان زیباترین و پسندیده‌ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است و حقوق و ادای آنها فراتر از زمانها و مکانها و اشخاص و ادیان است.

در واقع هر فردی از هر طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان می‌دهد و این مطلب، حق و حقوق را فرازمانی و فرامکانی می‌کند. برخی از اندیشه‌گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حق‌الله است و در این باره می‌گویند: «حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می‌باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد شد، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق‌الله مطرح است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

از اینکه قرآن می‌گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن حق‌الله است.» (۶) (پیر واضح است که آدمی نمی‌تواند حقوق الهی را کاملاً ادا کند ولی با انجام برخی کارها می‌تواند رضایت الهی را به دست آورد. حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: «حقوق خداوند متعال بزرگتر از آن است که توسط بندگان ادا شود و نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که به شمارش آید» (۷) و حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بر بندگان حقی قرار داده و آن این است که او را اطاعت کنند.» (۸) اگرچه حق خدا بزرگ است و قابل ادا نیست ولی ادای وظایف و اطاعت از خداوند متعال به نوعی ادای حق محسوب می‌شود. حجاب که امر خداست و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین آن را واجب کرده است باید حفظ شود.

حفظ این واجب الهی اطاعت از اوست و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده است و هر انسان باورمندی باید تعبدا و نه فقط به خاطر مصالح عمومی و... این حق و حد الهی را ادا کند. پس حکمت حجاب، سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است. بانوان با حفظ حجاب می‌توانند اطاعت را که روح و پیام اصلی عبادات بشر است اثبات کنند و در زمره اطاعت‌کنندگان الهی قرار گیرند. بانوان به عنوان نیمی از جامعه اسلامی که در دامان خود انسان‌های پاک و برجسته می‌پروراند، دارای حرمت و احترام ویژه‌ای می‌باشند. آنان معلمان عاطفه هستند و پیکره اجتماع، با محبت و تربیت آنها استوار خواهد ماند.

مفسران و اندیشه‌گران بر این باور هستند که «قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. در قرآن علت و فلسفه حجاب را چنین ذکر می‌کند که: ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین، یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند، چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.» با اندکی تدبر در آیات قرآن فلسفه حجاب را به گونه‌ای صریح می‌بینیم و می‌یابیم که احترام و حرمت زن، فلسفه حقیقی و یا یکی از فلسفه‌های حجاب است برآستی اگر معرفت انسان به شریعت و تعالیم دینی بالا رفته و قرآن را که آئین‌نامه سعادت و کمال بشر است درک کند، به عظمت حجاب پی برده و می‌فهمد بدحجابی و بی‌حجابی ثمره عدم معرفت و شناخت حقیقی جایگاه زن در هستی است.

خداوند در آیه ۳۱ سوره نور حکم حجاب را به گونه‌ای صریح و آشکارا مطرح نموده و علاوه بر ظرافت‌های خاصی که در نوع پوشش زنان وجود دارد، اشخاص محرم را نیز ذکر می‌کند تا نامحرم‌ها بازشناسانده شوند و در پایان فلسفه پوشش بیان شده است که زینتها و زیبایی‌های زنان در مقابل نامحرم آشکار نشود، تا آنها مورد توجه نگاه‌های ناپاک قرار نگیرند و احترام آنان حفظ گردد. در آیه دیگر حرمت و شخصیت زن به عنوان فلسفه حجاب مطرح می‌شود: «ای پیامبر به زنان و دختران و زنان مومن بگو، پوشش خود را بر خود فرو پوشند .

این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند» (احزاب، آیه ۵۹) در این آیه زنان و دختران پیامبر و زنانی که همسر مردان مومن هستند از دیگر زنان جامعه آن روز جدا می‌شوند و حکم حجاب برای این زنان محترم آورده می‌شود. از ظاهر آیه می‌توان دریافت که حجاب به خاطر احترام و حرمت زنان بوده و مقام آنان به قدری بالاست که باید از طریق حجاب شناخته شوند؛ مبدا مانند زنان کفار مورد اذیت و آزار قرار گیرند. این دسته از زنان به خاطر اعتقادات و باورهای دینی، دارای ارزش و مقامی افزون از دیگران هستند و حرمت آنها باید مورد شناسایی قرار گیرد .

آثار اجتماعی حجاب

هر عملی که افراد جامعه انجام می‌دهند، در نگاه کلان اثر مستقیم در اجتماع دارد زیرا از خانواده که واحد کوچک اجتماعی است جامعه تشکیل می‌شود و همان‌گونه که رفتار فرد در جامعه موثر است، اشخاص نیز از اجتماع و قوانین آن تاثیر می‌پذیرند. حجاب علاوه بر آثار شخصی و شخصیتی، دارای آثار اجتماعی است . جامعه‌ای که در آن بانوان باحفظ حدود و حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و موجب تخریب روح و جسم هموعان خود شده و محیط آرام و امنی را برای جوانان فراهم سازند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهد رفت . اگر زنان جامعه باحجاب باشند، هم مردان از نظر طهارت روح و جسم سالم می‌مانند و هم در جامعه، سلامت خانوادگی حفظ خواهد شد و محیط خانواده تحت تاثیر خودنمایی‌های عده‌ای از زنان بدحجاب و بی‌حجاب قرار نمی‌گیرد و هم مراکز اجتماعی مثل اداره‌ها و بیمارستان‌ها و... در کمال سلامت رفتاری خواهند بود و بزهکاری‌های اجتماعی به حداقل خواهد رسید .

حضرت امام خمینی (ره) در مورد فعالیت اجتماعی و اشتغال زنان همیشه این نکته را بیان می‌کردند که: «فعالیت اجتماعی، سیاسی کنید ولی حدود شرعی از جمله رضایت همسر را رعایت کنید.» (۱۰) بسیاری از پرونده‌های ضداخلاقی از عدم رعایت حدود شرعی نشأت گرفته است و آمار جنایی ذکر شده همواره زنگ خطری بوده که اندیشه گران تربیتی را نگران می‌ساخته است. یکی از آثار اجتماعی حجاب، حفظ اجتماع و سلامت اجتماعی خانواده است، بالا رفتن درصد طلاق در کشور ما زنده‌ترین شاهد این مطلب است .

از روزی که حجاب دچار تغییر و تحول شد و آزادی‌های تعریف نشده در جامعه ما پا گرفت، سطح طلاق به مقدار نگران‌کننده‌ای بالا رفته و میزان ازدواج رو به کاهش نهاده است و این جزء آثار اجتماعی بی‌حجابی است که جامعه را در درازمدت به ورطه هلاکت می‌رساند. البته آثار مثبت حجاب و پیامدهای منفی بی‌حجابی به اینجا ختم نمی‌شود.

وقتی که به صحنه تفکرات عالم نگاه می‌کنیم و بینش اسلام را مشاهده می‌نماییم، به روشنی در می‌یابیم که جامعه بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسئله زن و رابطه زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا کند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن را ارائه کند. اسلام می‌خواهد که رشد فکری، اجتماعی، سیاسی، علمی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلا برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری حداعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب، بر این اساس است. مسئله حجاب به معنی منزوی کردن زن نیست. مسئله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد و بخصوص به ضرر زن است. حجاب به هیچ‌وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی نیست.

مفهوم حجاب

حجاب را از دو بعد لغوی و اصطلاحی می‌توان تعریف کرد که در بعد لغوی در ساده‌ترین تعریف حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است؛ چنان که ابن منظور می‌نویسد: «الحجاب: الستر... و الحجاب اسم ما احتجب به و کل ما حال بین شیئین: حجاب... و کل شیء منع شیئاً فقد حجبه...»؛ (ابن منظور، ۲۰۰۰ م، ج ۴: ۳۶) «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی می‌اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجب نموده است.

و در کلامی دیگر خداوند متان می‌فرماید: «و من بنینا و بینک حجاب» (سوره فصلت: آیه ۵)؛ «میان ما و شما حاجز و فاصله‌هاید در نخله‌ها و دین وجود دارد، نیز بدین معنا به کار رفته است.

شهید مطهری در مورد واژه «حجاب» با تأکید بر مفهوم پوشش بیان می‌کنند: «کلمه‌ی حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله‌ی پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این‌طور توصیف می‌کند: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (سوره ص: آیه ۳۲) «تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.»، پرده‌ی حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» گویند.

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه‌ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را به آن می‌پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می‌پوشانند.» (معین، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۳۴۰ / عمید، ۱۳۶۷: ۵۵۷) آمده است. در کل می‌توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی‌ترین تعریفی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

به نظر می‌رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه‌ها از گزندهای مختلف مصون می‌دارد. چنان که «حجاب در علوم‌ی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد؛ اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.»

شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد: «مورد استعمال کلمه ی استر به پوشش در مفهوم] حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه ی «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند، کلمه ستر را به کار برده اند، نه کلمه ی حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه ی پوشش را به کار می بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.»

سیر تاریخی حجاب

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده، هر چند فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ گاه به طور کامل از میان نرفته است.

مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه - به قول اندیشمندان - قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت: وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعدادهای فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است.»

شهید مطهری در مورد این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده اند چنین بیان می کند: «در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله ی اسلام در عرب پیدا شده است.»

مهدی قلی هدایت در کتاب خاطرات و فطرت زنانه پوشش در ملل مختلف می گوید: «اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می یابیم. براون و اشنایور، نویسنده ی غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می شده است، به گونه ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده اند.»

در مجموع می توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده و گرایش های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است.

مبانی حجاب در قرآن

حجاب در کلام الله مجید در سوره های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. «در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است؛ در حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه ی مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است.»^۱ لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است: ۱- قرآنکریم، ۲- روایات شریفه، ۳- سیره های اهل بیت علیهم السلام، ۴- براهین عقلی، ۵- فطرت و طبیعت انسانی و تاریخ.

نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین مبین اسلام، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان است که نه تنها یک بُعدی نبوده، بلکه همه ی ابعاد و جوانب شخصیت زن مسلمان در بُعد مادی و معنوی را مد نظر قرار داده است از این روی در این مقاله حجاب تنها از دیدگاه قرآن و روایت ها مورد بررسی قرار گرفته است که حجاب فیزیکی بدن، حجاب در نگاه، گفتار، رفتار و در قلب را می توان اشاره کرد.

حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان، علما، فقها و روشنفکران بوده است. این بخش از حجاب محسوس ترین و ملموس ترین بُعد می باشد. در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خمار» و «جلیباب» تأکید ویژه شده است.

خمار

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه ی پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلیباب»؛ از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است: «وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»^۲؛ (سوره نور، آیه ۳۰) «خمارهای خود را بر گریبان های خویش بیفکنید.» که این تقسیماتاً پهبیانگر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند. «خمر»، جمع خمار است و در کتب لغت آمده است: «الخمار ثوب تغطي به المرأة أسما»^۳؛ (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲ م: ۲۹۸) «خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می پوشاند.» آقای مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می نویسد: «خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است. شراب را خمر گویند؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می پوشاند. به روسری زن نیز خمار گویند؛ زیرا به وسیله آن سرش را می پوشاند.»^۴ (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۱۲۹) ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه ی شریفه می گوید: «تغط شعرها و صدرها و ترائبها و سوالصفا»^۵؛ (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۱۸۵) «زن موپسر، سینه دورگردن و زیرگلوی خود را بپوشاند.»

آنچه می تواند به این فرمان الهی جامه ی عمل بپوشاند، مقنعه یا روسری بلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر، بر روی گردن و سینه افتد.^۱ (بیرقی اکبری، ۱۳۷۷: ۳۸) و شهید مطهری معتقد است: «ترکیب لغوی «ضرب علی» در لغت عرب این معنا را می سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند، به طوری که مانع و حاجبی برای او شمرده شود.»^۲ (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۳۸) براساس آیه ی شریفه و تفسیر ابن عباس، این پوشش سر هر چه که هست، اعم از شال، روسری، مقنعه باید مو، سینه، دورگردن و زیرگلوی زن را بپوشاند.

در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان لباس های بلند و گشاد می پوشیدند ، بر سر یا شانه خود عبا می انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه تر از جلباب روی سرشان می بستند . شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می کنند که زنان عرب معمولاً پیراهن هایی می پوشیدند که گریبان های شان باز بود ، دور گردن و سینه را نمی پوشاند و روسری هایی هم که روی سر خود می انداختند از پشت سر می آویختند ، قهراً گوش ها و بناگوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن نمایان می شد . این آیه دستور می دهد که باید قسمت آویخته ی همان روسری ها از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیافکنند تا قسمت های یاد شده پوشیده گردد .»

یکی از جوانان انصار با زنی از اهالی مدینه روبه رو شد در آن زمان ، زنان مقنعه خود را پشت گوش میبستند . جوانبهن، که از رو می آمد ، آن قدر نگاه کرد که زن از مقابل او گذشت و رفت . جوان درحالی که هم چنان از پشت سر ، آن زن را نگاه می کرد ، وارد کوچه بنی فلان شد که ناگاه استخوان یا شیشه ای که در دیوار بود ، صورت او را درید . وقتی زن رفت ، ناگاه جوان متوجه شد که خون روی لباس و سینه اش ریخته است ؛ با خود گفت : به خدا حتماً نزد رسول الله (ص) می روم و ماجرا را توضیح می دهم . جوان نزد پیامبر (ص) آمد . وقتی که رسول خدا (ص) او را دید پرسید : این چیست ؟ جوان ماجرا را توضیح داد . جبرئیل در این هنگام بر پیامبر چنین خواند : «به مردان بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگاه دارند ، این برای شان پاکیزه تر است ؛ زیرا خدا به کارهایی که می کنند آگاه است .»

جلباب

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است : «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلرِّجَالِ مِمَّا مَلَائِكَةٌ مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِيَةً عَلَيْكُمْ فِي حُلِيِّهِمْ مِنْ جَلَابِيبٍ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَن يَعْرِفُوا وَلَا يُؤْدِبِينَ وَاكُنْ مِنَ الَّذِينَ يَتَذَكَّرُونَ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَجْمَعِينَ» (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ . ق ، ج ۱۶ : ۳۶۱) «جلباب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در بر می کند و همه بدن خود را می پوشاند یا مقنعه ای است که سر و صورت خود را به آن می پوشاند .» زمخشری نیز در کشاف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می گوید : «الرداء الذی سببه من فوق الی اسفل» ۳ (زمخشری ، ۱۳۵۲ ، ج ۳ : ۵۵۹) «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می پوشاند .»

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است : «الجلابیب جمع جلباب و هو ثوب تشتمل به المرأه فیغطّی جمیع بدنها او الخمار الذی تغطّی به رأسها و وجهها .» ۲ (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ . ق ، ج ۱۶ : ۳۶۱) «جلباب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در بر می کند و همه بدن خود را می پوشاند یا مقنعه ای است که سر و صورت خود را به آن می پوشاند .» زمخشری نیز در کشاف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می گوید : «الرداء الذی سببه من فوق الی اسفل» ۳ (زمخشری ، ۱۳۵۲ ، ج ۳ : ۵۵۹) «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می پوشاند .»

ابن منظور نیز در لسان العرب جلبا را لباس بلند معنا کرده و می نویسد : «الجلباب ثوب اوسع من الخمار دون الرداء تغطيها المرأه اسها و صدرها و قیل هو ثوب واسع دون الملحفه تلبسه المرأه و قیل هو الملحفه» ۴ ؛ (بیرقی اکبری ، ۱۳۷۷ : ۴۴) «جلباب لباسی بزرگ تر از سرپوش و کوچک تر از رداست که زن سر و سینه خود را با آن می پوشاند و گفته شده است لباسی بزرگ است که از ملحفه کوتاه تر است و زن آن را می پوشد و گفته شده است همان ملحفه است .»

واژه ی ادناء در تفاسیر «هم به معنای دنو (نزدیک کردن) آمده .» ۵ (فیض کاشانی ، بی تا ، ج ۴ : ۲۰۳) و «هم به معنای ارحاء و اسدال و آویختن .» ۶ (زمخشری ، ۱۳۵۲ : ۵۶۵) آیه شریفه می فرماید : «يَدْنِيْنَ عَلِيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْهِنَّ ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذَنَ ...» معنای آیه این است که زنان مسلمان باید جلباب های شان را به خود نزدیک کنند یا بر سر بیاویزند تا شناخته شوند به اینکه زن مسلمان آزاد هستند .» ۷ (فیض کاشانی ، بی تا ، همانجا) یا «شناخته شوند به این که پوشیده و با عفت هستند .»

علاوه بر مباحث لغت شناسی ، چند نکته ویژه نیز در آیه ی جلباب وجود دارد:

۱- تأخیر نزول آیات مورد نظر در سوره ی احزاب پس از آیات خمار در سوره ی نور .» ۱ (عابدینی ، بی تا : ۷) باتوجهبهمسئلهتدریجیبودناحکام ، این نظر محتمل است که آیه ی خمار دستور نخستین و آیه ی جلباب دستور نهایی آن است ؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است.

۲-عمومیت آیه ی جلباب بر همه ی زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر (ص) به عنوان یک حکم نهایی و استثنا ناپذیر .»

۳-دستور بر نحوه ی پوشش جلباب با عنوان «يَدْنِيْنَ عَلِيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْهِنَّ» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسری ؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را بپوشاند.

۴- اثر اجتماعی پوشش جلباب در این آیه ی شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده : «ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذَنَ»

این پوشش جلباب نزدیک ترین چیزی است که به وسیله ی آن ایمان و عفاف تعیین می یابد و همان طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عفیف بهتر شناخته می شوند تا از تعرض هوس رانان آزار نبینند ؛ از همین رو ارادل و اوباش مجبور می شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و جدا نمایند.

هم چنان که در شأن نزول آیه آمده است : «فانه كان سبب نزولها ان النساء كن يحوصل الى المسجد و نعلين حلف رسول الله (ص) و اذا كان بالليل حرجن الى صلاه المغرب و العشاء الاخر و الغداه يقعد الشباب لهن في طريقهن فيؤذونهن و يتعرضون لهن فانزل الله «يا ايها النبي قل لأزواجك و نساء المؤمنین ...» الى قوله «۳» ؛ (قمی ، ۱۳۷۸ هـ . ق، ج ۲ : ۱۹۹) : سبب نزول آیه این بود که زنان برای گزاردن نماز مغرب پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج می شدند و شب هنگام که برای گزاردن نماز مغرب و عشاء و نماز صبح به سوی مسجد می رفتند ، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و به آزار و اذیت زنان نمازگزار می پرداختند ، در این هنگام این آیه شریفه نازل شد و به آنها دستور داده شد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه ی مزاحمت پیدا نکند.

در سوره ی مبارکه نور آیه ی شریفه ۳۱ دو نهی وجود دارد . نهی مورد نظر در این مبحث «و لا یبدین زینتھن» است ؛ «زنان نباید زینت خود را آشکار سازند .» ؛ و بلافاصله بعد از آن عبارت «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» آمده است ؛ «زینت هایی که آشکار هستند مشمول این نهی نمی باشند.»

در تعیین این که از زینت ها چه زینت هایی نباید آشکار شوند ، میان فقها اختلاف رأی وجود دارد . کلمه ی «زینت» در زبان عربی عام تر از واژه ی «زیور» در زبان فارسی است ؛ زیرا زیور به زینت هایی گفته می شود که از بدن جدا می شود ؛ مانند طلاجات و جواهرات ، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می شود و هم به آرایش هایی که به بدن متصل است ؛ مانند سرمه و خضاب .»

مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند ؛ اما استثنای اول میگوید : پوشش زینتهاییکه آشکار است، لازم نیست . پس زینت های زن بر دو نوع است : یک دسته آشکارند و نوع دیگر مخفی ، مگر آن که زن به قصد و عمد بخواهد آن را آشکار کند ؛ اما سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که زینت آشکار کدام است و زینت پنهان کدام ؟ درباره ی این انشاء از قدیم ترین زمان ها از صحابه و تابعین و ائمه ی طاهرین :سؤال می شده و به آن جواب داده شده است .»

ایشان در پایان این مبحث تصریح می کنند : «ما این مسئله را از نظر خودمان بیان می کنیم و استنباط خودمان را ذکر می کنیم و اما هر یک از آقایان و خانم ها از هر کس که تقلید می کنند عملاً باید تابع مرجع تقلید خودشان باشند .» ۲ (همان : ۱۳۵) شهید مطهری در این مبحث معتقد است : پوشاندن چهره و دست ها تا میج واجب نیست ؛ حتی آشکار بودن آرایش عادی و معمولی که در این قسمت ها وجود دارد ، مانند سرمه و حنا که معمولاً زن از آن خالی نیست و پاک کردن آنها یک عمل فوق العاده به شمار می رود نیز مانعی ندارد . ایشان تأکید می کنند که نظرشان با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می کند، ولی ممکن است که با فتوای برخی دیگر تطبیق نکند ؛ گرچه یادآوری می کند که فتوای مخالفی وجود ندارد و هر چه هست احتیاط است نه فتوای صریح .»

حجاب در نگاه

بُعد دیگر حجاب از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است . این بخش از حجاب بعد از بُعد اول ، شناخته شده ترین بُعد از ابعاد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این بُعد از حجاب دلالت دارد . که حجاب هم برای زن و هم برای مرد است ، هم چنان که خداوند در سوره ی مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می کند که چشم های خود را فرو افکنند : «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»

اصطلاح «غَضَّ بَصْرًا» در لغت به معنای فرو افکندن چشم می باشد و نه فرو بستن آن . «غَضَّ» به تنهایی به معنای کاستن ، تخفیف و نگهداری است که هم برای صدا استفاده می شود و هم برای چشم ؛ برای مثال آیه ی ۱۹ سوره لقمان میفرماید : «وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ»؛ صدای خود را کوتاه کن .»

شهید مطهری با تأمل در لغت عرب می فرماید : «غَضَّ بَصْرًا» با «غَمَضَّ عَيْنًا» متفاوت است . «غَمَضَّ» به معنای فرو بستن است که با کلمه عین همراه می شود نه کلمه بصر . شهید مطهری «با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته ی «استقلالی» و «آلی» تقسیم می کند . «در نگاه استقلالی» یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و ورنه انداز کردن آن برای ارزیابی آن ؛ اما «نگاه آلی» یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست ، بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است . بر این اساس ، امر الهی به زنان و مردان مؤمن ، پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی ؛ یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفاً تماشا کردن و لذت بصری بردن و چشم چرانی است .»

«بصر» نیز در لغت عرب به ابزار بینایی ، یعنی چشم گفته می شود و هم به حس بینایی و گاهی نیز به دلالت التزامی به معنای علم است، دلالت دارد .»

از مطالب مزبور نکات ذیل را می توان بدست آورد:

- ۱- امر جداگانه نه به مردان و زنان مؤمن به خاطر تأکید این امر
 - ۲- تقدم امر به مردان پیش از زنان؛ در این دستور مشترک ابتدا مردان مورد خطاب الهی قرار گرفته اند و پس از آنان زنان؛ و این امر شاید دلالت بر ضرورت و اولویت این نوع از حجاب در میان مردان داشته است.
 - ۳- تعلق گرفتن امر به مردان و زنان مشروط به شرط ایمان: لازمه ی ایمان مردان و زنان مؤمن پرهیز از چشم چرانی است؛ در حقیقت بخشی از ایمان افراد مؤمن در گرو پاک داشتن چشم شان از آلودگی ها، لذت های حرام و آلودگی های بصری است.
- حضرت رسول (ص) در زمینه نگاه و حرمت آن می فرمایند: «از نگاه بعد از نگاه پرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می باشد و نگاه سوم ویران گر است. و «امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: نگاه بعد از نگاه، بذرشهوت دردل میکارود این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است.»

حجاب در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه ی سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانه مدنظر قرار داده است. حجاب در گفتار در آیات شریفه ی قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه ی گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» ۳؛ (سوره احزاب، آیه ۳۲) «با خضوع در گفتار سخن نگویند که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گویند

مخاطب نخست آیه ی شریفه، زنان رسول خدا (ص) هستند و سپس تمام زنان مؤمن؛ علامه طباطبایی می نویسد: «معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال های شیطانی نمود، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات حرام باز می دارد.»

بنا به نظر شهید مطهری «مسئله جواز استماع صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره ی قطعی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است و دلیل دیگر آن سیره ی قطعی و رایج میان مسلمانان میباشد.»

ایشان از مرحوم آیت الله طباطبایی یزدی در عروه الوثقی نقل می کنند که: «لابأس صوت الاجنبیه مالم یکن تلذذ و لاریبه من غیر فوق بین الاعلی و البصیر و إن کان الاحوط التکرک فیغیر مقام الضروره و یحرم علیها اسماع الصوت الذی فیه تهییج للسامع بتحسینه و ترفیقه. قال تعالی: فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ.»؛ «شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریه نباشد، جایز است ولی در عین حال مادامی که ضرورت نیست ترک آن بهتر است و بر زن حرام است که بخواهد صوت خود را نازک کند و نیکو سازد، به طوری که تحریک آمیز باشد؛ چنان که خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر (ص) می فرماید: در حرف زدن صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد.»

علامه طباطبایی معتقد است: «آیه ی مذکور در مجموعه ی آیاتی قرار دارد که به همسران رسول خدا (ص) مربوط است و به آنان تذکر میدهد که از دنیا و زینت آن جز عفاف و رزق کفاف بهره ای ندارد؛ البته در صورتی است که بخواهند همسر او باشند، و گر نه مانند سایر مردم اند.»

به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم ، آنان را به حصار امن تقوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن نگه دارند ؛ چرا که نوع سخن گفتن زن از بی حجابی و بدحجابی فیزیکی اغواکننده تر است و به همین دلیل ، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است . نکته دیگر در آیه شریفه این است که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد ، حتی کلامی چنین آلوده به دعوت های باطل دلش را به هوس نمی اندازد ؛ چرا که آیه شریفه می فرماید : «فیطمع الذی فی قلبه مرض» ۱ ؛ (سوره احزاب ، آیه ۳۲) یعنی اگر زنی بی تقوایی کند و حجاب در گفتار را رعایت ننماید ، تنها مردان بیماردل هستند که در دام شیطان می افتند و مردان با تقوا در قلعه ی ایمان در امانند.

حجاب در رفتار

مقصود از حجاب در رفتار اعمال و افعالی است که به واسطه ی اعضا و جوارح پدید می آیند . آن چه به حجاب در رفتار تعلق می گیرد ، مجموع چند امر و نهی الهی است:

۱- آشکار ساختن زینت های پنهان : خداوند در سوره مبارکه نور می فرماید : «ولایضر بنّ بار جُلُهِنَّ لِیَعْلَمَ ما یخفینَ مِن زینَتِهِنَّ» (سوره نور، آیه ۳۱) «به زنان مؤمن بگو آن گونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهای شان معلوم شود.» نهی مذکور در آیه ی شریفه مرتبط با بحث زینت در حجاب فیزیکی است و از به جلوه درآوردن و اظهار زینت های پنهان زنانه سخن می گوید . اظهار نمودن بدون ظاهر نمودن ، یعنی سهل انگاری یا مکر زنانه در جلوه گری و خود نمایی . خداوند متعال در آیه ی شریفه از نحوه ی خاصی از راه رفتن نهی نموده است ؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت های پنهانی زن آگاه می کند.

شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می گوید : «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند . از این دستور می توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می گردد ؛ مانند استعمال عطرها ی تند و زننده و هم چنین آرایش های جالب نظر در چهره ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.»

برخی دیگر از صاحب نظران معتقد هستند آن چه در این بخش از آیه ی شریفه از آن نهی شده است ، آشکار شدن هر گونه زینت و زیبایی های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می باشد . از سوی دیگر ، زینت پنهان می تواند پوشیدن لباس ها و زینت های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر ، آن زینت ها آشکار شده و ناقض حجاب می گردد . «

۲- استعمال عطر : از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است ، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد ، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد . حضرت پیامبر (ص) می فرمایند : «هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه اش خارج شود تا وقتی که به خانه اش برگردد لعنت و نفرین می شود [تا] هر وقت که برگردد.» آن چه مسلم است ، این است که عطر زدن برای خانم ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد ، به خصوص که برای همسر باشد . آن چه که از آن نهی شده این است که زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس است ، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد و ایجاد مفسده کند . «

۳- آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تَبَرَج جاهلی : در آیه ی شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر (ص) علاوه بر تقوا ، امر می شود که در خانه های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند

مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر (ص) و هیچ زنی در خانه نیست ؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که رسول خدا (ص) زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود . بلکه مقصود از این دستور ، آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود . آن چنان که امروز عده ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خودنمایی و پرسه زدن در خیابان ها ، ساعت ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می رسند .»

حجاب در قلب

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در سوره احزاب ، آیه ۵۳ می فرماید : «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (سوره احزاب ، آیه ۵۳)؛ «هنگامی که از همسران پیامبر (ص) چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل های شما و دل های ایشان پاکیزه تر است .»

در ذیل آیه صاحب تفسیر نمونه چنین بیان می کند : «هنگامی که رسول خدا (ص) با زینب ازدواج کرد ، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد . انس که خادم مخصوص پیامبر (ص) بود می گوید : پیامبر (ص) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم ، من همه را دعوت کردم ، دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اتاق خارج می شدند ، تا این که عرض کردم : ای پیامبر خدا ؛ کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم ، فرمود : اکنون که چنین است سفره را جمع کنید ، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند ، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر (ص) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند . آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد .»

از بعضی قرائن استفاده می شود «که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر (ص) می آمدند، برای حفظ حیثیت همسران پیامبر(ص) آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هر گاه می خواهند چیزی از آنها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.»

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد : «درخواست متاع از همسران حضرت ، کنایه از این است که مردم با آنها درباره ی حوایجی که دارند، سؤال کنند ؛ یعنی اگر به خاطر حاجتی که برای شما پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید از پس پرده صحبت کنید، برای این که وقتی از پشت پرده صحبت کنید دل های تان دچار وسوسه نمی شود و در نتیجه ، این روش دل های تان را پاک تر نگه می دارد .»

نکته حایز اهمیت در این مورد که جزء دستورات ویژه برای زنان پیامبر (ص) است و نه دستور عمومی برای تمام زنان آن است که خداوند این نحوه ی پوشش خاص را برای رعایت حجاب در قلب ذکر می نماید . نکته دیگری که در این آیه ذکر شده است پاک ماندن قلب مردان را پیش از قلب زنان بیان نموده است و چه بسا بتوان از این نکته استفاده نمود که این تقدم نشان دهنده ی آسیب پذیری دل مردان بیش از زنان است ؛ چرا که زنان پیامبر (ص) در مأمّن و مأوای زوجیت آن حضرت در امانند ، اما کسانی که بیش از پیش از ایشان می توانند در معرض خطر باشند، مردانی هستند که به خانه رسول خدا (ص) مراجعه و با زنان ایشان مواجه می

شوند؛ البته زنان نیز باید دل خود را پاک نگه دارند و از این رو، پرده پوششی و حفظ حجاب و عفاف برای پاکی دل آنان نیز بهتر است.

برای آن که کسی حریم الهی را در حیطة ی تعامل با افراد نامحرم به درستی رعایت نموده و حیطة حجاب و پوشش را حفظ کند، لازم است بعد قلبی حجاب را جدی تلقی نماید و در این زمینه، تسامح و تساهل روا ندارند که دروازه ی دل، چشم است و «دل کتاب چشم است».

نتیجه گیری

فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می آید.

پوشش بدن به جز وجه کفین و مهار کردن جاذبه های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد، نمره ی صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد، نمره ی کمال و برتری الهی را کسب نموده است.

این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم تا انسان های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: گلبان، ۱۳۸۰.